

## دکتر هوشنگ ناقی

استادیار دانشگاه ملی ایران

## نهادهای اجتماعی

واژه نهاد اغلب بگونه‌ای غیرجامعه‌شناسانه مورد استفاده قرار گرفته است - در زبان جامعه‌شناسی منظور از نهاد (Institution) یک شخص یا یک گروه نیست بلکه جزء و قسمتی از فرهنگ یا عبارت دیگر بخشی از زندگی (روشهای تفکر، احساس و عمل) جامعه‌ای است - همان طور که میدانیم انگاره‌ها و الگوی‌های رفتاری و فرهنگی (ضمنی و تلویحی) بصورت نقش‌ها روابط و پویای‌های اجتماعی نمودار میشوند - بطوریکه عناصر اساسی تشکیل دهنده نهاد همین روابط و نقش‌های اجتماعی است :

مقدمهٔ نهاد را بدینسان تعریف میکنیم که ترکیب الگوهای رفتاری است که مورد قبول تعداد زیادی از اعضای گروه بوده و بر محور رفع نیازمندیهای اساسی گروه استوار است.

قبل از تشریح ویژگیهای نهاد، بی‌مناسبت نیست مفهوم نیاز یعنی نیاز اجتماعی را مورد بررسی تحلیلی قرار دهیم - چون در انسان انگیزه‌ها و نیروهای نظیر نمادی و والایش وجود دارد که او را از حیوان متمایز میسازد، دامنهٔ نیاز انسانی محدود نبوده و با اندیشه و تفکر ارتباط دارد، در واقع همین نیاز است که بیان و ایجادکننده تغییرات و دگرگونیهای اجتماعی است - بدیهی است هر نیازی در جستجوی ارضاء شدن است - اما ممکن است فقدان، کمبود یا

نقصی ضمن اینکه نیازی دربردارد، مدتها مدید آشکار و محسوس نگردد، بطوریکه هیچ گله، شکایت، اعتراض و حتی فعالیتی در جهت رفع آن نیز بروز نکند در تأیید این مطلب میدانیم که سالیان دراز بعضی طبقات مردم ایران از نعمت سواد محروم و در دریای جهل و بی سوادگی غوطه میخورند و بعلمت عدم آگاهی در این مورد و علی رغم آنکه عدم توانائی خواندن و نوشتن و بی سوادگی نوعی احساس حقارت تولید میگرد، اینان هیچگونه فعالیت مثبت و اقدامی بمنظور برآوردن این نیاز اساسی و رفع نقیصه نمیگردند:

علت اینکه این نیاز که در اساسی بودن آن تردیدی نیست مدتها مدید در بین عده ای مخفی و پنهان بود، چیزی جز تأخیر و عقب ماندگی فکری و فرهنگی نبود.

چه بسا وضعیت های اجتماعی و اقتصادی ناقص و ناکام که مدتها بعلمت همین عدم آگاهی و روشنی افکار بهمان صورت ادامه داشته باشد، اما بمحض تابندگی و گسترش افکار، دیگر ادامه وضع موجود بصورتی غیر قابل تحمل و اغماض درآید - می بینیم اندیشه و تفکر قبل از نیاز ظاهر میشود.

پس از بررسی مفهوم نیاز انسانی و پیش از تشریح ویژگیهای مهم نهاد، بی مناسبت نیست غور و تعمقی در مورد مفهوم واقعی نهاد صورت گیرد.

یکی از اشتباهاتی که اغلب افراد مبتدی در جامعه شناسی مرتکب میشوند اینست که تصور میکنند نهاد و گروه کلماتی مترادفند - در صورتیکه چنین نیست. نهاد و گروه دارای مفاهیمی متمایزند - مفهوم نهاد جنبه انتزاعی داشته و مراد از آن مجموع افراد یا گروه نیست.

الگوهای رفتار، نقش ها، روابط و پوشش های اجتماعی نهادی میگردند و نه افراد و گروهها و منظور از نهادی گردیدن رفتارهای گروهی است که در اثر

تکرار و دوام توسط تعداد زیادی از اعضاء مشخص شده و افراد میتوانند آنرا بانوجه به نهادهای مربوطه و روشهای هنجاری پذیرفته و به تحقق برسانند - بعبارت دیگر مراد از نهادی شدن ترجمان عوامل فرهنگی که طبیعتاً جنبه کلی دارند ، در هنجارها ، نقشها و گروه‌هائست که بروری کنش‌های اجتماعی و تعامل اعضاء جامعه‌ای تسلط و کنترل اعمال میکنند . بدین ترتیب اشخاص و گروه‌ها خود نهاد نیستند بلکه عوامل بکاراندازنده نهادند . مثلاً مدرسه متشکل از افراد و گروه‌هائست که از یک نظام رفتاری پیروی میکنند که به آن نهاد تربیتی گفته میشود . این نهاد نیز دارای اهداف و مقاصد مشخصه و ارزشها و رفتارها ، الگوها ، سنن ، آداب و رسوم ، شیوه‌های قومی ، عرف و عادات که در مسیر ارزشها و هدفهای شناخته شده نهادی میگردند ضمن پویاها و تحقق نقشها چون شبکه‌ای بهم پیوستگی پیدا میکنند که مجموعاً نهاد را تشکیل میدهند . اکنون به ذکر و بررسی ویژگیهای مهم نهاد میردازیم :

الف - نهاد جنبه عمدی دارد ، بدین معنی که هر نهادی دارای هدفی است و آن رفع نیازمندیهایی اجتماعی و فرهنگی است . این هدف ممکن است بوضوح و آشکارا بیان و ارزیابی نشود . علت این امر در اینست که اولاً هنوز بطور کامل در مورد جوامع و فرهنگها شناخت علمی بدست نیامده است . ثانیاً همه هم آمادگی ، اراده و قابلیت‌های لازم بمنظور استفاده از عوامل عقلانی برای برآوردن نیازها و نیل به هدفهای خواسته شده ندارند .

مثلاً در مورد نهادهای خانواده و آموزش و پرورش نه تنها ستیز ارزشها ، بلکه نوعی هدم و وضوح و نارسائیهها در مقاصد و نیات بچشم میخورد .

در مورد نهاد اقتصادی فی‌المثل ، اگر بپذیریم که هدف اساسی ، تولید هر چه بهتر ، بیشتر و ارزانتر محصول است ، سهولت ملاحظه خواهد شد بعضی محصولات جمعی ماشینی و مکانیزه بر سیستم کار دستی رجحان دارد .

ب - نهاد نسبتاً پایدار است - الگوها، نقش‌ها و روابط مشخص‌کننده یک فرهنگ جنبه سنتی و دوام پیدا میکنند - اما مانند هر امر و اثر انسانی نهاد هم دستخوش تغییر و تحول است. البته این دگرگونی در نهاد بنحوی بطیء و کند صورت میگیرد و نه سریع. بنابراین نهادها در برابر تحولات اجتماعی، کارکردها و ساخت‌های اجتماعی و فرهنگی، حتی در جوامعی که پویایی در آن‌ها شدید است، سرعت تغییر نمیکنند - آداب حرمتی و تثبیت شده در برابر تغییر، تحول و دگرگونی بصورت مانع و عوامل مقاوم ظاهر میشوند - همین امر نشان دهنده اینست که چرا نهادهای خانوادگی و دینی در مقایسه با سایر نهادها (اقتصادی، سیاسی و تقریبی) آهسته‌تر تغییر کرده و در مقابل دگرگونیها و تحولات مقاومت بیشتر و شدیدتر از خود نشان داده‌اند، در واقع سنتی شدن و در اثر تکرار، عمومیت و عادت پایدار ماندن در بطن نهاد است.

ج - هر نهادی دارای ساختنی مشخص است که همچون واحدی عمل میکند؛ اما مجزا و منفک از سایر نهادها و عوامل اجتماعی نیست - بعنوان مثال بارز در این مورد ارتباط بین عوامل حقوقی و نهادی را میتوان متذکر گردید، این دو ساخت بنحوی بر رویهم تأثیر میگذارند که تفکیک و جدائی آن بسادگی انجام پذیر نیست.

هر نهادی با توجه به ذات و جوهر خود که تراز به ثبات و پایداری دارد متمایل به اینست که در پوشش و لفاف حقوقی قرار گیرد - خانواده، عوامل تولیدی و اقتصادی (جایگزینی نسل‌ها، توزیع محصولات و عایدات) مخصوصاً برای اینکه بتوانند بنحو هنجاری فعالیت کنند نیازمند ضمانت‌های اجتماعیند. از این ضمانت اجتماعی (خارجی) همان حقوقی است که در جوامع وجود دارد. بدین ترتیب از دیدگاه جامعه‌شناسی، حقوق بیان نهادی است که در شبکه نهادها عمل میکند. زیرا همانطور که میدانیم اصولاً نهاد با توجه به نیازهای

انسانی یا عبارت دیگر استفاده‌هایی که برای انسان دارد ایجاد میشود؛ البته هرگونه اختلال و آشفتگی که در این مورد بروز نماید، نیاز به جنگ ایجاد شده و قدرت سیاسی از ارتش استفاده میکند، یعنی عاملی نهادی شده که بمنظور دفاع از خود بر علیه دشمنان خارجی فعالیت میکند و از اینرو افسراد در آن مشارکت دارند؛ سرویس‌های نظامی، خدمت زیر پرچم، مالیات‌ها، دادخواهی، دادگستری و غیره.

ملاحظه میشود چگونه امروزه عوامل حقوقی بیش از پیش در مورد فعالیت‌های اجتماعی که تبدیل به نهاد میشوند عرض اندام میکند - افراد و گروه‌ها مایلند بمنظور نیل به هدف‌های خواسته شده، خدمات لازم و ضروری در اینمورد تضمین گردد، چه غیر از آن رفاه اجتماعی و حتی زندگی در معرض مخاطره قرار خواهد گرفت.

این ضروریات حیاتی و اجتماعی گذشته از اعمال کارکردهای قضائی، در مورد زمینه‌های دیگر اجتماعی نیز تعمیم مییابد: بهداشت، امنیت در مقابل خطرات مختلف، بیمه‌های اجتماعی، تعاونی‌های اجتماعی، راه‌ها، حرکت و سائط نقلیه و غیره.

عوامل فوق علی‌رغم اینکه مستلزم مخارج گزافی است، مورد تقاضا و پذیرش است - از اینرو در واقع زندگی اجتماعی در عین حالیکه نهادی میشود، میتوان گفت که بصورت حقوقی و قضائی نیز درمیآید.

باری، شبکه منظم نهادها که در ارتباط باهم و بوسیله روابط اجتماعی و نقش‌هاییکه توسط افراد و گروه‌ها اعمال میشود فعالیت میکند برای ادامه فرهنگ و جامعه اساسی است.

این ارتباط، وابستگی و بهم پیوستگی نهادها بطرق مختلف، مخصوصاً

در جوامع بزرگ پیچیده و صنعتی امروزه نمایان می‌گردد. بدیهی است هرگاه مثلا در نهاد اقتصادی اختلال و تغییری روی دهد، بر سایر نهادها از جمله نهادهای خانواده، آموزش و پرورش، دینی و تفریحی تأثیر گذاشته و دیگر گونیهائی را برمی‌انگیزد. این وابستگی و ارتباط بین نهادها اغلب باعث اشکال در تشخیص و تمایز روشن و واضح نهادها می‌شود. مثلا بعضی اشکال ورزشی هم مربوط به نهادهای تفریحی و هم نهادهای اقتصادی می‌شود.

از اینجاست که نهادها در واقع باهم ترکیب شده و بصورت شبکه‌ای عمل میکنند. همین امر گاهی ممکن است ناهماهنگیها و تضادهائی در مورد کارکردهای نهادها برانگیزاند. روشن‌ترین نمونه را میتوان در مورد نهادهای اقتصادی و دینی متذکر شد. اگر واقعیتی است که مهم‌ترین انگیزه نهاد اقتصادی در نظر داشتن و پی‌جویی سود و منفعت است، محرك نهاد دینی خدمت در راه خدا و بشریت بدون در نظر گرفتن جنبه‌های انتفاعی است.

این ستیزها و ناهماهنگیها در مورد اعمال نقش‌ها در نهادها، با توجه به اینکه بعنوان نمونه‌های رفتاری، مورد انتظار، پذیرش و تأیید قرار می‌گیرد، همواره بوسیله افراد شناخته شده نیست.

د - نهاد الزاماً متکی بر ارزش است بدین معنی که بصورت قواعد و اصول رفتار درآمده و بعنوان عوامل اجتماعی خارجی (مقررات، قوانین، سنن، آداب و رسوم، شیوه‌های قومی، عرف و عادات) اعمال می‌شود.

با توجه به ویژگیهای فوق میتوان تعریف جامع و کلی‌تری از نهاد ارائه داد: نهاد ساخت نسبتاً دائمی الگوهای رفتار، نقش‌های اجتماعی و روابطی است که توسط افراد جامعه بمنظور رفع نیازمندیهای اساسی اجتماعی مورد تأیید و تحقق قرار گرفته است.